

مواضع و عملکرد مراجع تقلید و روحانیت شیعه با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی (ره)

حسینعلی قربانی^{۱۸۶}

مهدی زمانی^{۱۸۷}

چکیده

با وفات آیت‌الله بروجردی مرجعیت شیعه دچار تکثر شد. تصور حاکمیت این بود که کثرت مراجع تقلید از قدرت، نفوذ و بالتبع ایستادگی آنان خواهد کاست؛ اما برخلاف این گمان از آغاز دههٔ چهل تا طرح کاپیتولاسیون مجتهدین طراز اول به پیشقدمی امام خمینی (ره) در برابر برنامه‌های خلاف قانون و شرع حاکمیت ایستادگی کردند که بارزترین آنها اصلاحات ارضی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. مسئلهٔ اصلی پژوهش چگونگی مواجههٔ مراجع تقلید شیعه با طرح کاپیتولاسیون است و چرایی این نکته که اتحاد سابق مراجع در زمان طرح لایحهٔ کاپیتولاسیون تکرار نشد و درمقابل، آنان با یک اقدام تقریباً هماهنگ نسبت به تبعید امام خمینی (ره) واکنش نشان داده و با اقداماتی که به عمل آوردند، زمینه‌ساز اقامت ایشان در نجف اشرف شدند. مدعای پژوهش این است که اگرچه مرام و مسلک سیاسی متفاوت علما و همچنین سیاست سخت حاکمیت در برخورد با مردم و به‌ویژه حمله به فیضیه سبب عدم اتحاد و جدایی مراجع تقلید شد، اما تبعید امام خمینی (ره) بار دیگر زمینه همکاری و اتخاذ تصمیم واحد از سوی آنان با هدف حفظ جایگاه و اعتبار روحانیت شیعه در برابر حاکمیت را فراهم آورد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی متکی به اسناد و مدارک دست اول تاریخی به واکاوی این مسئله پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: کاپیتولاسیون، مراجع تقلید، تبعید امام خمینی (ره)، روحانیت شیعه.

۱۸۶ دانشجوی دورهٔ دکتری تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی. پست الکترونیکی: q.hosein@gmail.com

۱۸۷ کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، پست الکترونیکی: mehdizamani12@gmail.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

کاپیتولاسیون تاریخی طولانی در روابط خارجی ایران دارد. این مسئله در دهه ۴۰ شمسی بار دیگر نمایان گشت و تقریباً همان امتیازاتی را که دول اروپایی از ایران در قرن نوزدهم گرفتند، مجلسین در سال ۱۳۴۳ ش. تحت عنوان الحاق مستشاران نظامی و کارمندان آمریکایی به مصونیت‌های کنوانسیون وین به آمریکاییان می‌دهند. به موجب این قانون دادگاه‌های ایران حق نداشتند که به جرائم و تخلفات مستشاران و نظامیان آمریکایی در ایران رسیدگی کنند.^{۱۸۸} امام خمینی(ره) به محض دریافت اطلاعات موثقی از تصویب این لایحه خود را آماده رویارویی مجدد با رژیم کردند. از آنجایی که در اکثر تحقیقات انجام شده درباره کاپیتولاسیون به نقش امام خمینی(ره) پرداخته شده است، بنابراین در این مقاله سعی بر آن است که اقدامات سایر علما و روحانیون شیعه نسبت به کاپیتولاسیون و پس از آن واکنش آنها به تبعید امام خمینی(ره) بررسی شود. پس از سخنرانی امام برخی از علما و مراجع تقلید آن‌طور که در قضایای انجمن‌های ایالتی و ولایتی به مقابله با دولت پرداختند، این بار به مبارزه برخاستند و پشتیبانی درخور توجهی از امام به عمل نیاوردند. اما تبعید امام بار دیگر علما و روحانیون شیعی را هم‌صدا کرد و همگی از ایشان حمایت کردند و تمام تلاش خود را به کار بستند تا ابتدا به کشور بازگردند و یا اینکه در تبعید بهترین شرایط برایشان مهیا گردد.

۱. طرح لایحه و اقدامات علما و مراجع تقلید

آیت‌الله مرعشی پیشگام مراجع در مبارزه با کاپیتولاسیون

همان‌گونه که می‌دانیم آیت‌الله مرعشی نجفی چهره‌ای فرهنگی بود و کمتر در مسائل سیاسی روز وارد می‌شد؛ اما در همان روزی که نسخه‌ای از صورت جلسه مجلس به دست امام رسید و ایشان با اطلاع کامل از محتوای لایحه با صدور اعلامیه و ایراد سخنرانی در ۴ آبان ۱۳۴۳، واکنش تندی نسبت به این اقدام دولت ایران و آمریکا ابراز داشتند، آیت‌الله مرعشی نجفی نیز در اقدامی مشابه علیه کاپیتولاسیون موضع گیری کرد. براساس اسناد شهربانی درخصوص مصونیت مستشاران ابتدا آیت‌الله مرعشی نجفی در ساعت هشت صبح و پس از ایشان امام خمینی(ره) در ساعت ده و نیم صبح و سپس آیت‌الله شریعتمداری در ساعت یازده

^{۱۸۸} محمدعلی چلونگر، کاپیتولاسیون در تاریخ ایران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶.

صبح سخنرانی داشته‌اند.^{۱۸۹} ایشان ابتدا سخنرانی درخصوص لایحه ایراد می‌کند، ولی به‌علت کسالت سخنرانی ایشان ناتمام می‌ماند^{۱۹۰} و بلافاصله به‌صورت اعلامیه تهیه و توزیع می‌گردد. در اعلامیه چهار صفحه‌ای آیت‌الله مرعشی با اشاره به گذشته کاپیتولاسیون در ایران آمده است: «آخر در کجای دنیا سابقه دارد که برای رقیب و بردگی یک مشت ملت محروم همچون قانون وحشیانه‌ای را وضع کنند. در صورتی که فعلاً تمام دول عقب‌افتاده هم برای احراز استقلال و کسب آزادی خود از قید استعمار قیام نموده و از نعمت حریت برخوردار می‌باشند. ... من یقین دارم که عقلای ایران به وضع و حال ایران خندیده و این نوع تصویبات را رجوع به فقهرا و ارتجاع سیاه تفسیر خواهند کرد؛ زیرا مصونیتی که برای آنها تصویب شده، برخلاف قوانین بین‌الملل و دور از شرافت و انسانیت و غیرت است».^{۱۹۱} ایشان در ادامه مردم را به مبارزه با این تصویب‌نامه دعوت می‌کند و از علما و مراجع هم می‌خواهند که نسبت به این تصویب‌نامه سکوت نکرده و مردم را آگاه سازند.^{۱۹۲} آیت‌الله مرعشی در این نامه از شاه اسمی نمی‌برد و از دولت می‌خواهد آنهایی را که در این ماجرا نقش داشته‌اند، به مردم و علما معرفی کند. به‌طور کلی ایشان در مورد کاپیتولاسیون و به دنبال آن بازداشت امام حساسیت بیشتری نشان داده است و شاید به همین دلیل حاج‌آقا مصطفی خمینی بعد از دستگیری امام به خانه ایشان می‌رود و در همان‌جا توسط ساواک بازداشت می‌شود. عبدالمجید معادی‌خواه در خاطراتش نقل می‌کند: «وقتی مأمورین ریختند توی خانه آیت‌الله نجفی و حاج‌آقا مصطفی را گرفتند، آقای نجفی چسبیده بود به لباس حاج‌آقا مصطفی، که به جدم نمی‌گذارم ایشان را ببرید. مهمان است و فلان، که زده بودند و بالأخره ایشان غش کرده بود».^{۱۹۳}

آیت‌الله گلپایگانی استراتژی سکوت، آیت‌الله شریعتمداری اصرار بر اجرای قانون

^{۱۸۹} سیر مبارزات امام خمینی (ره) به روایت اسناد شهربانی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲.

^{۱۹۰} علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۵۸۵ - ۵۸۷.

^{۱۹۱} اسناد انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۸.

^{۱۹۲} همان، ص ۲۵۹.

^{۱۹۳} معادی‌خواه، ۱۳۷۱، ص ۷۳.

اساسی مشروطه

از اعلامیه‌ها و اسنادی که موجود است چنین برمی‌آید که آیت‌الله گلپایگانی در مواجهه با قوانین غیرشرعی رژیم، به‌ویژه پیش از حمله به فیضیه سرسختانه مقاومت می‌کرد که به‌نوعی می‌توان نام مبارزه سخت با رژیم بر آن نهاد. نمونه‌های آن، قانون اصلاحات ارضی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی است. اما پس از خشونت عریان رژیم در مقابله با امام و حمله به فیضیه، ایشان کمتر در مسائل سیاسی وارد شد. کاپیتولاسیون از اولین حوادثی بود که این تغییر رویه آیت‌الله را می‌توان در آن مشهود دید. در اسناد و مدارک منتشرشده نشانی از موضع‌گیری و مخالفت آیت‌الله گلپایگانی یافت نمی‌شود؛ هرچند بعدها ایشان در نوع نگرش خود به حرکت امام تغییر اساسی ایجاد کرد و درستی آن را تصدیق نمود. بیشترین فعالیت ایشان بعد از تبعید امام خمینی(ره) و در جهت آزادی ایشان بود که در ادامه بدان اشاره می‌شود.

اگر چه در اسناد انقلاب اسلامی اعلامیه یا سخنرانی‌ای از آیت‌الله شریعتمداری در خصوص کاپیتولاسیون دیده نمی‌شود، ولی براساس برخی گفته‌ها وی نیز در همان روز چهارم آبان علیه این لایحه سخنرانی کرد. یکی از شاهدان سخنرانی آیت‌الله می‌نویسد: «شریعتمداری در خانه خود علیه کاپیتولاسیون سخن گفت و با بلندگویی که گذاشته شده بود، جمعی از مردم در کوچه اجتماع کرده و به سخنان وی گوش می‌دادند. البته تعداد جمعیت حاضر کمتر از جمعیتی بود که در خانه امام و اطراف آن جمع شده بودند و صحبت ایشان هم نرم‌تر از سخنان امام بود و به‌عنوان نصیحت می‌گفتند استقلال کشور را باید حفظ کرد و این لایحه خلاف استقلال کشور است».^{۱۹۴} خلاصه سخنان ایشان علیه کاپیتولاسیون در یک برگ، تکثیر گردید که در بخشی از آن آمده بود: «این قانون کاپیتولاسیون برخلاف قانون اساسی است که رسیدگی به تمام دعاوی را درخور محاکم مملکت می‌داند: مجلس ایران در تصویب آن، عمل بسیار خلافی انجام داده است. مزایایی که دولت‌ها به هم می‌دهند باید متقابل باشد. آیا آمریکا به ایرانیان مقیم چنین مصونیتی می‌دهد؟ چرا این قانون را به اطلاع مردم ایران نرسانند و در معرض قضاوت عمومی نگذارند؟ مصلحت ایجاب می‌کند مجلس ایران هر چه زودتر این

^{۱۹۴} تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (از مرجعیت امام خمینی(ره) تا تبعید)، به کوشش عبدالوهاب فراتی،

قانون خطرناک را فسخ کند و اگر فسخ نکند کوچک ترین ارزش قانونی نخواهد داشت».^{۱۹۵} به طور کلی این مرجع تقلید روحیه انقلابی نداشته و بیشترین اصرارش بر اجرای قانون اساسی مشروطه بود و علاوه بر دغدغه های شرعی، نیم نگاهی نیز به حفظ قانون اساسی مشروطه داشت. این رویه پیش تر در مسائلی چون فراندوم انقلاب سفید پیش گرفته شده و اعتراضات ایشان در این خصوص بی شباهت با موضع گیری های ایشان در خصوص فراندوم جمهوری اسلامی و مسائل مربوط به پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست.

مواضع و دیدگاه های سایر روحانیت شیعه

سیاست سکوت سایر مراجع در قم، مشهد و نجف در ماجرای کاپیتولاسیون تأمل برانگیز است؛ به خصوص هنگامی این سیاست بیشتر نمود می یابد که فعالیت ها و اقدامات دسته جمعی و همگانی نهاد روحانیت در الغای تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی به یاد آورده شود. از جمله دلایلی که برای مواضع این چنینی برخی از روحانیت بر شمرده اند، یکی آنکه گویا رویکرد دولت جدید به تفاهم با روحانیت، نظر آن مراجع را جلب کرده بود و دوم اینکه ابعاد ضدملی و ضد دینی لایحه برای آنان روشن نبود.^{۱۹۶} از دیگر دلایلی که می توان گفت این بود که اکثریت مراجع به این نتیجه رسیده بودند که در آن شرایط، مبارزه قهرآمیز با حکومت مؤثر نخواهد بود و در نهایت به ضرر روحانیت و مردم تمام خواهد شد. با این همه آنان بعداً و پس از دستگیری و تبعید امام خمینی (ره) اعلامیه هایی در اعتراض به آن صادر کردند و همراه آن، لایحه کاپیتولاسیون را نیز مورد نقد قرار دادند.

علی رغم بی تفاوتی در سطح مرجعیت، طلاب و روحانیون مبارزه بی وقفه ای در این زمینه کردند و شبکه پیام رسانی نهضت را از تمام ابزارهای لازم و امکانات بالقوه برای تکثیر و توزیع سخنرانی ها و اعلامیه های امام و سایر مراجع علیه لایحه بهره مند کردند. عده ای از مبارزین روحانی پیش از آغاز غائله کاپیتولاسیون همراه امام خمینی (ره) بودند و برخی از آنها مدعی تهیه لایحه شدند؛ به گونه ای که آیت الله هاشمی رفسنجانی در گزارشی از چگونگی جمع آوری مطالب مجلس در خصوص کاپیتولاسیون گزارش می کند: «به منزل آقای سید محمد بهبهانی -

^{۱۹۵} همان.

^{۱۹۶} محمد حسن رجیبی، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۷.

مواضع و عملکرد مراجع تقلید و روحانیت شیعه با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی (ره) ۱۰۱

پسر بزرگ آقای بهبهانی که معمم نبود و جای پدرش بیت را آقای فلسفی اداره می‌کرد - رفت. این دو نفر کمک کردند و متن مصوبه مجلس را که براساس کنوانسیون وین تصویب شده بود، به من دادند.^{۱۹۷} همچنین یکی از همراهان امام در مبارزه با کاپیتولاسیون شیخ حسین لنگرانی از سیاسیون قدیمی بود. وی نیز در این لایحه نقش مهمی ایفا کرد و بنابه گزارشی ایشان متن مذاکرات مجلس راجع به لایحه مزبور را به قم فرستاد.^{۱۹۸} پس از آن نیز برخی از فعالان این شبکه دست به کار شدند تا متن سخنرانی امام را از نوار پیاده کنند تا آن را به صورت اعلامیه تکثیر و توزیع نمایند و حتی برخی نیز به تکثیر نوار اقدام کردند؛ اما چون «تکثیر نوار به میزان زیادی معطلی داشت و توزیع آن هم مشکل بود، امام خمینی همان مضامین بیانات خود را با توضیح بیشتر و برخی اضافات، به صورت اعلامیه نوشتند و به سرعت از سوی طرفداران نهضت چاپ و تکثیر و توزیع گردید.»^{۱۹۹}

۲. تبعید امام خمینی (ره) و واکنش مجامع روحانی

مسئله تبعید امام از اولین روزهای آزادی ایشان در فروردین ۱۳۴۳ مطرح بود و رژیم در پی بهانه‌ای می‌گشت که این طرح را به اجرا بگذارد. موضع‌گیری‌ها و مبارزات حضرت امام پس از آزادی از زندان و بالأخره سخنرانی و پیام ایشان علیه احیای کاپیتولاسیون باعث شد که در صبح روز چهارشنبه ۱۳ آبان دستگیر شوند. با پنخش خبر تبعید امام به ترکیه، در سراسر کشور تحولاتی صورت گرفت که ساواک نسبت به تحولات قم و تهران بیش از دیگر شهرها حساسیت داشت. در واقع با دستگیری امام و تبعید ایشان با تدابیری که ساواک اندیشیده بود و کنترل شدیدی که اعمال می‌شد، مردم و مبارزین روحانی نتوانستند قیامی به‌مانند ۱۵ خرداد ۴۲ تدارک ببینند. هاشمی رفسنجانی از امنیتی بودن فضا در شهرها خبر می‌دهد و می‌گوید «انتظار

^{۱۹۷} «گفتگو: سه موج حادثه ساز تا انقلاب دینی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دانشگاه اصفهان، بهار ۱۳۷۸،

پیش شماره ۲، ص ۲۴.

^{۱۹۸} علی ابوالحسنی (منذر)، «روابط و مناسبات آیت الله حاج شیخ حسین لنگرانی و امام خمینی»، تاریخ معاصر

ایران، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۳۰.

^{۱۹۹} خاطرات ۱۵ خرداد (دفتر پنجم)، به کوشش علی باقری، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص

۱۰۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

ما این بود که با انتشار اخبار و اطلاعیه‌های امام در این خصوص مردم قم به پا خیزند؛ ولی مأموران همه جا را پر کرده بودند.^{۲۰۰} علی‌رغم همه اینها در اکثر شهرها و استان‌ها مراسم نماز جماعت به‌عنوان اعتراض به تبعید غیرقانونی امام تعطیل شد و ائمه جماعات و وعاظ از رفتن به مساجد خودداری ورزیدند و دو هفته این اعتصاب ادامه داشت.^{۲۰۱}

تبعید امام و واکنش مراجع ثلاث قم

اگر مراجع و روحانیت شیعه درخصوص لایحه کاپیتولاسیون فعالیت گسترده‌ای انجام ندادند، اما در قضیه تبعید امام اکثریت آنها به‌شدت پیگیر ماجرا شدند تا بتوانند در وهله اول زمینه آزادی امام را فراهم سازند و در صورت عدم موفقیت به‌دنبال اطمینان از شرایط مناسب اقامت امام در تبعیدگاه بودند که فعالیت‌های بی‌شمار آنان چنین مدعایی را می‌رساند. قبل از بررسی واکنش هر کدام از مراجع لازم به ذکر است که از همان صبح ۱۳ آبان و تبعید امام منازل آیات و مراجع قم تحت مراقبت ساواک قرار گرفت. شهربانی نیز جهت ممانعت از ورود افراد متفرقه مأمورینی را درب منزل آقایان گمارده بود.^{۲۰۲} علما نیز در کلاس‌های درس خود حاضر نشدند. ۲۷ آبان آن سال نیز که مصادف با میلاد حضرت علی (ع) بود در آن روز نیز علما بر خلاف سال‌های گذشته جلوس نکردند و سردرب منازل علما و حرم نیز چراغانی نگردید. در قم بیش از شصت نفر از امامان جماعت - به‌جز سه نفر - بقیه به‌عنوان اعتراض در نماز جماعت حاضر نشده بودند.^{۲۰۳}

آیت‌الله مرعشی نجفی که درخصوص کاپیتولاسیون سخنرانی کرده و اعلامیه داده بود، در واکنش به دستگیری و تبعید امام اعلامیه شدیدالحنی را صادر کرد. در این نامه به دستگیری و تبعید امام اشاره کرده و اینکه فرزند امام را نیز که به‌خانه ایشان آمده بوده، دستگیر کردند و

^{۲۰۰} همان، ص ۲۵.

^{۲۰۱} حمید روحانی، *نهضت امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۴؛ فراتی، ص ۱۷۶.

^{۲۰۲} *سیر مبارزات امام خمینی (ره) در آینه اسناد به روایت ساواک*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۲.

^{۲۰۳} همان.

مواضع و عملکرد مراجع تقلید و روحانیت شیعه با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی (ره) ۱۰۳

مصونیت خانه مراجع را زیر پا گذاشته‌اند. «آقازاده معظم‌له را که در منزل حقیر بوده، از دیوار به منزل ریخته، با وضع اسفناکی دستگیر می‌کنند.»^{۲۰۴} همچنین دو نامه نیز به ترکیه برای امام ارسال می‌کند و به ابراز تأسف کفایت می‌کند و از دولت ترکیه هم می‌خواهد که به خوبی رفتار کند.

آیت‌الله گلپایگانی که در مورد لایحه سیاست سکوت و احتیاط اختیار کرده بود، در واقعه تبعید امام نیز سکوت کرده و از هر گونه اقدام عملی اجتناب کرده و از شرکت در جلسات مراجع نیز خودداری می‌نماید.^{۲۰۵} ایشان تنها با ارسال نامه‌ای به امام، ضمن جویا شدن احوالش، تأسف خویش را از این اقدام رژیم ابراز می‌کند: «... حقیر برای جبران این حادثه حسب‌الوظیفه اقدام نموده و می‌نمایم.»^{۲۰۶} با این اوصاف مشخص می‌شود که همکاری و هماهنگی آیت‌الله گلپایگانی در قضیه تبعید امام آنچنان که باید باشد، نبوده است و این گفته از آنجا تأیید می‌شود که سیدمصطفی خمینی، فرزند امام در نامه اش خطاب به آیت‌الله مرعشی - پس از تبعید امام به عراق - از دو مرجع تقلید بدون اینکه نامی ببرد، انتقاد می‌کند.

آیت‌الله شریعتمداری نیز در واکنش به این اقدام رژیم (تبعید امام) در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیان، انجام اقدامات حاد در اعتراض به تبعید امام را بی‌فایده دانست و جهت بازگرداندن ایشان، مذاکره با دولت را به صلاح دید. در تأیید این مدعا می‌توان به روایتی استناد کرد که محتاط بودن آیت‌الله را می‌رساند. «چند نفر بودیم که قرار گذاشتیم برای بازگشت امام به ایران در حوزه حرکتی بکنیم، از قبیل تعطیل درس‌ها و غیره. از جمله بنا شد من و آیات منتظری و مشکینی با آقای شریعتمداری ملاقات کنیم و از ایشان درخواست حرکتی بکنیم. ایشان اقدامات اعتراض آمیز را به مصلحت نمی‌دید.»^{۲۰۷} با وجود این، ایشان در پاسخ به

^{۲۰۴} اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۲.

^{۲۰۵} محمد مهدی امامی، زندگینامه آیت‌الله گلپایگانی به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶.

^{۲۰۶} اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۶۹.

^{۲۰۷} علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، زیر نظر محسن هاشمی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹-۱۸۸.

تلگراف‌های علما، تأسف خود را از تبعید امام خمینی (ره) ابراز داشت و ده روز بعد از تبعید امام، در تلگرافی خطاب به امام چنین نوشت: «با ابلاغ سلام و تحیات حادثه ناگوار فاجعه تبعید جناب عالی موجب تأثر و تأسف شدید است و از خداوند متعال خواستارم که به زودی وسایل مراجعت جناب عالی را به حوزه علمیه قم فراهم فرماید تا نگرانی رفع گردد. حقیر تا حدود امکان مشغول اقدامات بوده و کوتاهی نخواهم کرد».^{۲۰۸}

مراجع روحانی سایر شهرها

بنابه گفته آیت الله گرامی اولین کسانی که سکوت حوزه را شکستند و علیه اقدام دولت اعلامیه دادند، عبارت بودند از آیت الله میلانی در مشهد و آیت الله سیدصادق روحانی در قم.^{۲۰۹} اما گویا اولین اقدام عملی در جهت آزادی امام خمینی (ره) و بازگشت به کشور از سوی مراجع روحانی در تهران صورت گرفت. علمای طراز اول تهران طی گفتگوهایی به این نتیجه رسیدند که پیش از هر کار از موقعیت و مکان آیت الله خمینی اطلاع به دست آورده و آسایش و امنیت آنجا را مهیا کنند. بدین منظور در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۴۳ شمسی آقایان میرزااحمد آشتیانی، حاج سیداحمد خوانساری و حاج شیخ حسن تنکابنی در منزل آشتیانی نشستی تشکیل دادند. وزیر دربار، قدس نخعی نیز در این جلسه شرکت کرد. آن‌طور که از نامه حاج شیخ محمدتقی آملی به آیت الله مرعشی برمی آید، این نشست به ابتکار مراجع روحانی تهران بوده و همچنین اولین درخواست آنان آزادی و اختلاص امام خمینی (ره) بوده است.^{۲۱۰} «دیروز صبح در منزل آقای آقامیرزا احمد آشتیانی، آقای خوانساری و آقای تنکابنی اجتماع داشتند و پسر بنده هم شرف حضور داشت. آقای وزیر دربار آمدند و مذاکراتی شد و در نتیجه استخلاص آقای خمینی شد. با وعده رساندن مطالب و جواب آوردن مجلس متفرق شد تا چه

^{۲۰۸} اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹.

^{۲۰۹} خاطرات آیت الله محمدعلی گرامی، به کوشش محمدرضا احمدی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵.

^{۲۱۰} اما حمید روحانی روایت دیگری دارد: «علما به وزیر دربار پیشنهاد دادند که دولت موافقت کند تا نماینده‌ای از سوی علمای تهران به ترکیه رفته، محل زندگی امام را از نزدیک ببیند و از نظر آسایش اگر مشکل داشت، برطرف سازد و برای انجام این مأموریت آقای پسندیده برادر امام را پیشنهاد کردند.» (روحانی، ص ۵۴)

مواضع و عملکرد مراجع تقلید و روحانیت شیعه با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی (ره) ۱۰۵

شود و این اولین اقدامی بود که در این موضوع شد.^{۲۱۱} اگر جواب ندادند، «همین امر را حضرت عالی با شرکت آقایان قم بفرمایید و کسی طلبیده، با ملایمت درخواست را تجدید فرمایید»^{۲۱۱} در نهایت سیدفضل‌الله خوانساری، فرزند آیت‌الله خوانساری برای دیدار با امام انتخاب می‌شود و به ترکیه می‌رود. سیدفضل‌الله در نامه خود به حاج‌شیخ‌نصرالله خلخالی چگونگی انجام سفر و نحوه ملاقات با امام را شرح داده و می‌گوید: «حال روحی و مزاجی معظم له به‌حمدالله خوب است و رفتار دولت ترکیه با ایشان بسیار شرافتمندانه است. مأمورین دولت ایران هم با ایشان خوش رفتارند. از علمای عراق هم بدین منظور کمک گرفت».^{۲۱۲}

در ملاقات بعدی بود که نمایندگان آیت‌الله گلپایگانی یعنی آقایان شیخ‌محمدعلی صفایی و سیدمهدی گلپایگانی در خردادماه ۱۳۴۴ به استانبول عزیمت کردند. همچنین قبل از تبعید امام به عراق نیز، آقای حاج‌شیخ‌عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی یکی از روحانیون سرشناس کرمانشاه برای ملاقات با امام به استانبول رفت.^{۲۱۳}

آیت‌الله میلانی از جمله مراجعی بود که در این ماجرا به‌شدت فعالیت داشت. ایشان برای مراجع تقلید در قم نامه ارسال داشته^{۲۱۴} و علاوه‌بر آن مستقیماً به امام در ترکیه نامه‌ای می‌فرستد: «علما و روحانیون خواستند با حضرت عالی هم‌ناله شوند، از صبح پنج‌شنبه عده‌ای محاصره و نمی‌گذارند کسی سخن منطقی خود را به دیگری بگوید.» در این نامه چنان‌که برمی‌آید ایشان مأمورین دولتی را مانع از صحبت و موضع‌گیری می‌داند.^{۲۱۵} همچنین نامه مهمی از سوی این مرجع تقلید خطاب به مردم اصفهان درباره مشروعیت مبارزات امام و تأکید بر ادامه مبارزه در سه جمله انتشار می‌یابد: «... گفته ایشان گفته همه ملت مسلمان است و حق مشروع قانونی دارند هرگونه انتقاد و اعتراض نمایند و مسلک ایشان احقاق حق و اصلاح طلبی

^{۲۱۱} اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۵.

^{۲۱۲} همان، ۱۳۰.

^{۲۱۳} عبدالرضا آقایی، «دوران تبعید امام خمینی (ره) در ترکیه»، رشد آموزش تاریخ، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۳۵؛

فصلنامه یاد، سال هفتم، ۱۳۷۱، شماره ۲۸، ص ۴۹.

^{۲۱۴} نامه‌های ایشان به آیات مرعشی، شریعتمداری و شیخ محمدتقی آملی در: اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۹.

^{۲۱۵} اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۶۶-۲۶۴.

و نگهداری تمامیت ارضی و طرفداری از بیچارگان و نصیحت‌گویی و مراعات جهت اقتصادی این کشور مذهبی است.»^{۲۱۶}

از دیگر روحانیون شهرستان‌ها که نقش به‌سزایی در ماجرای تبعید امام داشت، حاج‌سیدعلی بهبهانی بود. ایشان اعلامیه تندی صادر نمود و با اشاره‌ای به وقایع و جنایات ۱۵ خرداد و حبس عده‌ای از علما و دانشمندان به شدت از امام خمینی (ره) حمایت کرد: «... دنیا بداند که هدف ایشان هدف تمام روحانیت ایران، بلکه روحانیت شیعه و اسلام است. خواسته تمام روحانیین است.»^{۲۱۷} و در آخر با هدف قرار دادن دولت منصور می‌گوید: «دولت ایران بداند که با تبعید و حبس و حصر، جامعه روحانیت از بیان حقایق خودداری نخواهد نمود و از اعمال خلاف قانون جلوگیری خواهد کرد و با پشتیبانی حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی - به وظیفه خود عمل می‌نماید.»^{۲۱۸}

درخصوص تبعید امام میان خود جامعه روحانیت نیز تلگرافات زیادی ردوبدل شده که حاکی از نگرانی‌های آنان و تلاش‌شان برای چاره‌جویی است. از جمله این نامه‌ها می‌توان به نامه مختصر آیت‌الله خویی به آیت‌الله مرعشی نجفی^{۲۱۹}، نامه آیت‌الله حکیم به مرعشی که خواستار همکاری می‌شود تا «ان شاء الله با دعای حضرت عالی و سایر آقایان جمیع مشاغل حل شود»^{۲۲۰} تلگراف جمعی از روحانیون یزد به آیات عظام در اعتراض به ادامه تبعید امام به گلپایگانی، شریعتمداری و مرعشی^{۲۲۱}، و نامه‌نگاری‌های آیات شریعتمداری و میلانی^{۲۲۲} همچنین در سطح پایین‌تر از مرجعیت نیز، روحانیون با ارسال نامه‌هایی به مراجع تقلید خواستار پیگیری وضعیت امام خمینی (ره) و همچنین کسب تکلیف در این خصوص بودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^{۲۱۶} همان، ص ۲۷۴.

^{۲۱۷} اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۶.

^{۲۱۸} همان، ص ۱۲۷.

^{۲۱۹} اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۷۲.

^{۲۲۰} همان، ص ۲۷۵.

^{۲۲۱} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۶۶.

^{۲۲۲} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۵، ص ۱۰۹.

مواضع و عملکرد مراجع تقلید و روحانیت شیعه با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی(ره) ۱۰۷

به‌عنوان نمونه حاج‌سیدمحمد تهرانی به آیت‌الله خوانساری نامه‌ای می‌فرستد و می‌نویسد: «... از محضر مبارک تقاضا دارد که وظیفه شرعی این حقیر و عده‌ای از دوستان ارادتمند را مشخص نموده و بر ما منت نهاده و بفرماید تاکنون حضرت‌عالی در این باره چه تصمیماتی اتخاذ فرموده‌اید.»^{۲۲۳}

سیدمحمدصادق روحانی و طباطبایی قمی از جمله روحانیونی بودند که برخی از ایرادات قانونی کاپیتولاسیون را نیز بیان کردند. صادق روحانی در این خصوص می‌نویسد: «بدون هیچ‌گونه مجوز شرعی و قانونی و علی‌رغم اعلامیه حقوق بشر و اصل نهم متمم قانون اساسی ایران با یک شیخون حضرت آیت‌الله خمینی را که یکی از مراجع بزرگ می‌باشند، دستگیر و به محل نامعلومی تبعید نمودند.» ایشان در بخش دیگری درباره ایراد قانونی کاپیتولاسیون می‌نویسد: «و اما بهانه قانون و اینکه گاهی استناد به آن می‌شود، مطایبه و مغالزه بیش نیست؛ زیرا این قوانین هرچه قدر هم که مهم باشند، با توجه به اصل اول و دوم متمم قانون اساسی در صورتی برای ملت ایران قابل قبول است که مخالفت با شرع انور اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه نباشند و تشخیص آنکه مخالف شرع است یا نیست، طبق اصل دوم متمم قانون اساسی فقط و فقط در صلاحیت علمای اعلام و مراجع تقلید شیعه است؛ لاغیر»^{۲۲۴}

طباطبایی قمی نیز در اعلامیه‌ای طولانی و چهار صفحه‌ای درباره تبعید امام و تصویب لایحه کاپیتولاسیون می‌نویسد: «از همه طبقات انتظار داریم که با حفظ کمال آرامش و نظم از طریق قانون برای لغو این لوایح استعماری، که با حیثیت و آبرو استقلال و آزادی و اقتصاد ملت مسلمان ایران غیرقابل سازش است، با تمام قوا بکوشند تا بدین وسیله حداقل وظیفه مذهبی و ملی خود را انجام و دین خود را به این کشور اسلامی ادا کرده باشند.»^{۲۲۵}

علاوه بر ارتباطات و نامه‌نگاری بین مراجع و روحانیت با هم و با دولت ایران، برخی از روحانیون و مراکز حوزوی به دولت ترکیه نیز نامه فرستادند. حاج‌شیخ‌عبدالله مسیح تهرانی به

^{۲۲۳} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۱۲۲؛ همچنین تلگرام سیدحسن طباطبایی قمی به آیات عظام در تهران و

قم آبان ۴۳؛ «از چگونگی اقدامات مطلع فرمایید.» (اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۰۷)

^{۲۲۴} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۵، صص ۱۱۰-۱۱۱.

^{۲۲۵} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۱۶.

رئیس جمهور ترکیه نیز نامه زد: «... علمای اعلام انتظار دارند با تجلیل و احترام و اخبار از سلامتی معظم له موجبات خشنودی ملت مسلمان و مقام روحانیت را فراهم فرمایند.»^{۲۲۶} حاج سیدابوالحسن رفیعی قزوینی به سفارت ترکیه تلگرام می‌زند و خواستار مهمان‌نوازی نسبت به امام می‌شود. محصلین مدرسه حضرت بروجردی در نجف اشرف نیز به مجلس شورای ملی ترکیه نامه زده و نسبت به ایجاد محدودیت برای ایشان گلایه می‌کنند و در آخر از آنان می‌خواهند که واسطه اصلاح شده و سبب آزادی خمینی، این شخصیت بزرگ جهانی گردند.»^{۲۲۷}

علاوه بر شهرهای ایران در خارج از ایران به ویژه حوزه علمیه نجف نیز بودند مراجعی که نسبت به این حادثه واکنش نشان دادند. آیت‌الله خویی یکی از این مراجع بود که در تلگرافی به هویدا اعتراض خود را نسبت به تبعید امام اعلام کرده و از او خواست که امام را آزاد کرده و به قم بازگرداند.»^{۲۲۸} همچنین علی دوانی در خصوص اقدامات آیت‌الله خویی می‌نویسد: «... معظم له فرمودند تاکنون بیش از ۷۰ تلگراف به سازمان ملل و سران مؤثر ممالک اسلامی و شخصیت‌های معروف دنیا مخابره کرده‌ایم و چون شما در ایران تحت سانسور قرار دارید، از این راه توانسته‌ایم همه مردم عالم را در جریان رویدادهای ایران بگذاریم. علاوه بر این، بسیاری از اعلامیه‌های علمای ایران را از طریق عراق و لبنان به سراسر دنیا فرستاده‌ایم تا همه در جریان تضيیقات دولت و علل تبعید آیت‌الله خمینی به ترکیه و حوادث ایران و قم قرار گیرند.»^{۲۲۹}

طلاب مبارز حوزه علمیه قم؛ پرچمدار مبارزه

در شهر قم بنابر گزارش رئیس ساواک قم بازار تعطیل و با تهدید و فشار به بازاریان از بستن مغازه‌ها جلوگیری شد و از منازل مراجع قم مراقبت به عمل آمد.^{۲۳۰} طلاب در مدرسه

^{۲۲۶} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۱۲۸.

^{۲۲۷} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴، ص ۱۳۰.

^{۲۲۸} روحانی، ص ۸۰۱.

^{۲۲۹} دوانی، ص ۱۴۷.

^{۲۳۰} امام در آیین اسناد ساواک، ص ۷۹؛ روحانی، ص ۳۱.

مواضع و عملکرد مراجع تقلید و روحانیت شیعه با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی(ره) ۱۰۹

فیضیه اعلامیه‌هایی با مضمون «پیشوای عظیم‌الشان شیعیان جهان را مأمورین مسلح دستگیر کردند» و «با تعطیل عمومی انزجار خود را به هیئت حاکمه فاسد ابراز دارید» نصب کرده بودند. آنان همچنین در مدرسه خان اجتماع اعتراض آمیزی داشتند که با حضور رئیس ساواک و شهربانی و تذکر و تهدید متفرق شدند.^{۳۳۱} روحانیون و طلاب طرفدار امام به منظور جلب توجه عموم مردم نسبت به تبعید امام و تداوم نام ایشان تصمیم گرفتند در مسجد بالاسر در جنب حرم حضرت معصومه مراسم دعای توسل برگزار کنند و در خلال آن ذکری از تبعید امام بنمایند.^{۳۳۲} همچنین مراسم دیگری که با هماهنگی طلاب حوزه علمیه در مساجد فیضیه و مسجد امام قم قرار بود برگزار شوند، توسط ساواک جلوگیری شدند.^{۳۳۳} بالأخره در اواخر آذر همان سال در نشریه/تتقام که از سوی طلاب حوزه علمیه منتشر شد نیز، بخشی از آن به لایحه مصونیت مستشاران آمریکایی و تبعید امام خمینی(ره) اختصاص یافت.^{۳۳۴}

حوزه علمیه قم نسبت به بازداشت امام اعلامیه‌ای صادر و خواستار تعطیلی مغازه‌ها و اعتصاب عمومی می‌شود.^{۳۳۵} در یک اعلامیه دیگر در سه صفحه به تصویب‌نامه و شرحی از دستگیری و تبعید امام پرداخته: «اگر این وطن فروشان شخص ایشان را موقتاً از ما گرفتند، اهداف عالیّه ایشان را نمی‌توانند از ما بگیرند. اکنون نوبت شماسست سعی کنید که وظیفه مقدس خود را درست انجام دهید.» در این نامه نیز از شاه و مخالفت با او خبری نیست و صرفاً به مزدوران و دستگاه حاکمه دولت اکتفا می‌شود. در کل حوزه علمیه سه نامه می‌دهد از این نظر که حاوی مطالبی درخصوص نحوه بازداشت امام و فرزندش و سایر روحانیون است؛ اما در مورد خود کاپیتولاسیون و مفاد آن چیزی دربر ندارد و تنها اشاره‌ای گذرا به آن شده است.^{۳۳۶} آنان همچنین دو نامه نیز درخصوص لزوم برگزاری جشن نیمه شعبان و حمایت از

^{۳۳۱} همان، ص ۷۹.

^{۳۳۲} همان، ص ۸۱.

^{۳۳۳} امام در اسناد شهربانی، ص ۳۵۳.

^{۳۳۴} همان، ص ۸۳.

^{۳۳۵} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴، ص ۱۱۹.

^{۳۳۶} همان، صص ۱۲۰ - ۱۳۰.

امام صادر کردند: «بدین وسیله از عموم طبقات به‌خصوص آقایان روحانین دعوت می‌شود روز یکشنبه، که مصادف با میلاد یگانه مصلح جهان و ویران‌کننده کاخ‌های ستمگران و نابودکننده زمامداران خودپرست و بی‌ایمان است، ساعت چهار بعدازظهر برای بزرگداشت شعائر مذهبی و اظهار پشتیبانی و حمایت از پرچمدار عظیم‌الشان شیعه، حضرت آیت‌الله خمینی و ابراز انزجار از دستگاه جبار حاکمه در صحن بزرگ حضرت معصومه - علیها سلام - حضور بهم رسانند.»^{۲۳۷} البته ناگفته نماند که چنین اقداماتی از سوی تمامی طلاب و روحانیون قم نبوده است؛ بلکه صرفاً آن دسته از روحانیون و طلابی که پیشوایی امام خمینی (ره) را پذیرفته بودند که شاید در آغاز نهضت نیز در میان طلاب حوزه علمیه قم در اقلیت بوده‌اند. به‌طور کلی جو غالب در مدارس علمیه در چهار دهه آغازین این سده غیرسیاسی و تا حدودی ضدسیاسی بود. بنابه گفته فرزند امام: «متأسفانه تبلیغات دشمنان اسلام در حوزه‌های علمیه مؤثر افتاده بود. روحانیت از صحنه سیاست و اجتماع منزوی گردیده بود و دخالت روحانی در امور سیاسی بی‌دینی تلقی می‌شد. حوزه‌های علمیه به فروعیات مسائل آن هم احکام غیراجتماعی اسلام سرگرم بودند. تحجر و قشری‌گری و مقدس‌مآبی بیداد می‌کرد و کار را با آنجا رساند که حتی تدریس رشته‌هایی همچون فلسفه و عرفان اسلامی نیز کفر و گناه محسوب می‌شد. مبارزه با شاه خلاف شئون مرجعیت بود.»^{۲۳۸} این دسته از روحانیون مبارز همچنین قدم‌های عملی در راه آزادی امام خمینی (ره) برداشتند. آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی نیز درباره فعالیت مدرسین و فضایی حوزه علمیه قم در این زمینه می‌نویسد: «... قرار شد آقایان دو نفر دو نفر بروند پیش علما و مراجع و با آنها درمورد جریان‌ات اخیر به مشورت بپردازند.»^{۲۳۹}

۳. انتقال امام از ترکیه به عراق و نقش روحانیت در آن

درمورد انتقال امام به عتبات عالیات و نجف اشرف روایات گوناگون است. آیت‌الله

^{۲۳۷} همان، ص ۱۲۹.

^{۲۳۸} مجله حضور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، شماره دوم، آبان ۱۳۷۰، ص ۵۰.

^{۲۳۹} خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، تدوین مصطفی قلی‌زاده علیار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

۱۳۸۹، ص ۵۶.

مواضع و عملکرد مراجع تقلید و روحانیت شیعه با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی(ره) ۱۱۱

شریعتمداری در اعلامیه‌ای که پس از تغییر تبعیدگاه امام صادر می‌کند، خود را مسبب این انتقال می‌داند و می‌نویسد: «که پس از اقدامات فراوان اطلاع حاصل شد که موافقت کردند امام به نجف بروند».^{۲۴۰} روایت دیگری نیز در این باره موجود است؛ بدین گونه که در خارج از ایران امام موسی صدر خدمات زیادی در آزادی امام در سال ۴۲ و همچنین در پی تبعید امام به ترکیه در پاییز سال ۱۳۴۳ به انجام رساند؛ تا ضمن تأمین امنیت امام، ترتیبات انتقال ایشان به عتبات عالیات را فراهم سازد.^{۲۴۱} با این اوصاف پس از این انتقال بود که عده‌ای از مراجع و روحانیت این انتقال را به فال نیک گرفته و با فرستادن تلگرام و ارسال نامه آن را تبریک گفته و خوشحالی خود را ابراز داشتند. برخی دیگر نیز انتقال ایشان را به‌عنوان آزادی امام تعبیر کردند که به‌شدت با واکنش فرزند امام، سیدمصطفی خمینی روبه‌رو شد. ایشان در نامه‌ای تاریخی و مهم که به آیت‌الله مرعشی فرستاد، نسبت به این قبیل شایعات ابراز تأسف کرده و از ایشان خواست که حقایق را درباره تبعید امام به مردم از طریق وعاظ و منابر انتقال دهند.^{۲۴۲} چنین دیدگاهی از سوی برخی از مراجع روحانی نیز پیگیری و به اطلاع مردم می‌رسید؛ چنانچه طباطبایی قمی درباره این واقعه معتقد بود که تشریف امام به عراق را نباید به‌منزله پایان دوران تبعید دانست و همچنین در بند بعدی توضیح می‌دهد که روحانیت همچنان به مبارزه مقدس خود تا مرحله موفقیت نهایی ادامه می‌دهد.^{۲۴۳}

نتیجه

در یک نگاه کلی عملکرد روحانیت شیعه در قبال کاپیتولاسیون در دو سطح قابل بررسی

^{۲۴۰} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۹.

^{۲۴۱} در پی دستگیری امام خمینی و در اوایل تابستان ۱۳۴۲، امام موسی صدر راهی اروپا و شمال آفریقا گردید تا از طریق واتیکان و الأزهر، شاه ایران را برای آزادسازی امام تحت فشار قرار دهد. با آزاد گشتن امام در پایان این سفر، آیت‌الله خویی تصریح نمود که این آزادی بیش از هر چیز مرهون سفر آقای صدر بوده است. (محسن کمالیان و علی‌اکبر رنجبر کرمانی، عزت شیعه (روایت صدر ۱)، تهران: مولف، ۱۳۷۷، ص ۱۹).

^{۲۴۲} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، صص ۱۴۲-۱۴۳.

^{۲۴۳} اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۰.

است. سطح اول مرجعیت شیعه قرار داشتند که به‌جز استثنائاتی همچون آیت‌الله مرعشی، مابقی آنان توجه چندانی به کاپیتولاسیون نداشته و یا حداقل در زمان مطرح شدن آن و مسائل پیرامون آن واکنش درخوری انجام ندادند و حداکثر اقداماتشان انتشار اعلامیه بود. علت چنین رویکردی نخست بازمی‌گردد به سیاست خشن و سخت رژیم در برخورد با مخالفان و سرکوب شدید حوزه علمیه و قیام ۱۵ خرداد و همچنین سخت‌گیری‌هایی که درخصوص طلاب صورت گرفت، و مراجع تقلید نیز برای حفظ حوزه از برخورد مستقیم با رژیم پرهیز کردند. چنانچه در همین ماجرای کاپیتولاسیون، دیگر نامه‌نگاری به شخص شاه همچون مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی دیده نمی‌شود. علت مهم‌تر شاید در نوع نگاه آنان به تصویب‌نامه‌ها و لوایح قابل پیگیری باشد. برخی مراجع همچون آیت‌الله شریعتمدای که منش سیاسی آنان در دنباله زنجیره تفکر روحانیت سنتی شیعه، یعنی دفاع از مشروطه سلطنتی از مشروطیت قرار داشت، مخالفت‌هایشان در حدی نبود که به پیگیری مجدانه کاپیتولاسیون - آن‌چنان که در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مشاهده شد - بیانجامد.

در سطح دوم، روحانیت و طلاب مبارز حوزه‌های علمیه قرار داشتند. اینان به‌شدت درگیر لایحه شدند و به پیروی از امام خمینی (ره) این مسئله را پیگیری کردند. نکته بعدی اینکه علی‌رغم سکوت و عدم مداخله علما و مراجع تقلید در لایحه کاپیتولاسیون اما با دستگیری و تبعید امام خمینی، اکثر قریب به اتفاق مراجع و طبقات روحانی شیعه با همکاری و اتحاد توانستند پشتیبانی لازم از امام خمینی (ره) را به عمل آورند و با پیگیری آنان بود که امام از ترکیه به نجف اشرف منتقل شدند.

مواضع و عملکرد مراجع تقلید و روحانیت شیعه با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی(ره) ۱۱۳

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها:

- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- _____ ج ۲. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- _____ ج ۳. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- _____ ج ۴. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- _____ ج ۵. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- امامی، محمد مهدی، زندگینامه آیت‌الله گلپایگانی به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (از مرجعیت امام خمینی(ره) تا تبعید)، ج ۱، به کوشش عبدالوهاب فراتی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- چلونگر، محمد علی، کاپیتولاسیون در تاریخ ایران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- خاطرات ۱۵ خرداد (دفتر پنجم)، به کوشش علی باقری، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
- خاطرات آیت‌الله طاهری خرم آبادی، تدوینگر مصطفی قلی‌زاده علیار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
- خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، به کوشش محمدرضا احمدی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- رجیبی، محمدحسن، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- روحانی، حمید، نهضت امام خمینی، ج ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
- _____، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران: انتشارات راه امام، چاپ یازدهم، ۱۳۶۰.
- سیر مبارزات امام خمینی(ره) در آینه اسناد به روایت ساواک، ج ۴، تهران: موسسه